

رضایتمندی و مشارکت سیاسی - اجتماعی مطالعه موردی: شهروندان شهر کرج

قربانعلی سبکتگین ریزی، استادیار، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، ایران*

مجید روهنده، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، ایران

سید محمد بساطیان، کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، ایران

احمد جعفری، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، تهران

چکیده

مشارکت امری است که امروزه در تمامی جوامع مورد پذیرش قرار گرفته است و روز به روز نیز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. در چنین شرایطی برای تقویت و گسترش مشارکت مردم در جامعه به عنوان اصلی حیاتی، شناخت عوامل مؤثر بر آن ضروری است. از این رو پژوهش پیش‌رو به مطالعه و بررسی عوامل اجتماعی (پایگاه اقتصادی - اجتماعی، رضایتمندی اجتماعی و رضایتمندی سیاسی) مؤثر بر مشارکت سیاسی - اجتماعی پرداخته است. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است و با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران، ابتدا حجم نمونه به تعداد ۳۸۴ نفر از میان شهروندان شهر کرج تعیین شد. اما با توجه به ریزش‌های احتمالی، نهایتاً حجم نمونه ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد با اجرای پرسشنامه در میان نمونه آماری و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و محاسبه آزمون آماری همبستگی پیرسون، مشخص شد میان میزان مشارکت سیاسی - اجتماعی با رضایتمندی سیاسی ۵۳٪ و با رضایتمندی اجتماعی ۱۸٪ همبستگی معنادار در سطح ۹۹٪ اطمینان وجود دارد. متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی رابطه معناداری با متغیر وابسته تحقیق ندارد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد از میان سه متغیر مستقل مذکور، رضایتمندی سیاسی دارای بیشترین تأثیر و متغیر رضایتمندی اجتماعی دارای کمترین تأثیر بر متغیر مشارکت سیاسی - اجتماعی است.

کلیدواژه‌ها: اجتماع محلی، شهروندی، رضایتمندی، مشارکت سیاسی - اجتماعی، فعالیت سیاسی

مقدمه و بیان مسأله

مشارکت^۱ مردم در تمامی فعالیتهای اجتماعی و سیاسی، امری است که امروزه در تمامی جوامع پذیرفته شده است و روز به روز نیز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. این اهمیت اصولاً از آنجا ناشی می‌شود که اولاً مشارکت یک حق انسانی است که به لحاظ غایت به آزادسازی و اعتماد انسان‌ها به خویشتن منجر می‌شود و ثانیاً از نظر ابزاری و در کلیت آن، به بسیج و نقش‌آفرینی توده‌های انسانی در فرآیند عملی حیات اجتماعی و حرکت رو به جلوی جامعه منجر می‌گردد؛ بنابراین از یک طرف، چنان‌که ترنر^۲ خاطر نشان می‌سازد، حقوق شهروندی به ماهیت مشارکت اجتماعی افراد در جامعه مربوط است و شهروندی موقعیتی است که به افراد توان شناخته شدن و حضور در اجتماع سیاسی را می‌دهد (شیانی، ۱۳۸۴) و از طرف دیگر «مشارکت عمومی، مؤلفه بنیادین امر برنامه‌ریزی خوب است. یک طرح جامع و فراگیر، طرحی است که با مردم انجام شده باشد نه برای مردم» (Zimmerman, 1996:1).

به نظر گائوتری^۳، «مشارکت فرآیندی اجتماعی، عمومی، یکپارچه، چندگانه، چند بعدی و چند فرهنگی است که هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است» (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۹۰) زیرا «گسترش مشارکت، تأثیر بسزایی در کاهش فقر، تأمین حداقل خدمات عمومی، توسعه فرصت‌های شغلی، بهبود بهره‌وری درآمد، افزایش تولیدات کشاورزی و مواد غذایی و تأمین امنیت در اجتماع و خانواده دارد» (فردرو و رضوانی، ۱۳۸۱: ۱۸۱). مشارکت می‌تواند به واسطه توانمندسازی افراد فاقد قدرت و خاموش، منبع مشروعیت بخشی به توسعه باشد و در حقیقت می‌تواند پل میان حاکمیت و جمعیت هدف باشد. به لحاظ ابزاری،

رویکرد مشارکتی با آگاهی از نقصان‌های راهبردهای سنتی و متعارف توسعه و نیز با بهره‌گیری از فرآیند توانمندسازی، آسیب‌پذیران را به مراقبت از خودشان فرا می‌خواند (Rahnema, 1999:21)، علاوه بر این مشارکت مردم در فرآیند توسعه می‌تواند تعهد^۶ آن‌ها را به فعالیت‌های توسعه‌ای و اجتماع محلی خود تقویت نماید (Mehta, 1984:78).

مشارکت مردمی می‌تواند به مثابه مؤثرترین و مناسب‌ترین پشتوانه برای حل و فصل معضلات و بحران‌های سیاسی - اجتماعی و امنیتی استفاده شود و هر دولتی که بتواند جلوه‌های بیشتری از همکاری و همدلی توده‌های مردمی را در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و به خصوص در دفاع از کشور و حکومت در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی جلب نماید، می‌تواند در جامعه بین‌المللی از اعتبار، شخصیت و موقعیت رفیع‌تری برخوردار گردد (شعبانی، ۱۳۸۰: ۴)، از این‌رو در جهان پیچیده امروزی، تواناسازی آحاد مردم و جلب مشارکت تمام انسان‌ها اعم از زن و مرد برای زندگی در آینده‌ای پیچیده‌تر ضروری به نظر می‌رسد. حال در چنین جهانی که در پرتو انقلاب الکترونیک و ارتباطات، حقیقتاً به دهکده‌ای کوچک و در دسترس همگان تبدیل شده است، مشارکت فعال زنان، مردان و تمامی گروه‌ها و قشرهای جامعه برای داشتن یک زندگی مطلوب فردی و نیز جامعه‌ای منسجم، ضروری به نظر می‌رسد. تجربه اجرای برنامه‌های توسعه در کشورهای در حال توسعه در طی چند دهه اخیر نشان داده است که به دلیل نادیده گرفتن مشارکت مردمی در شکل اصیل و واقعی خود، در عمل اهداف مورد نظر تحقق نیافته است. پیامد این عدم موفقیت توجه دانشمندان شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی به موضوع مشارکت مردمی به خصوص در شکل سازمان یافته آن در قالب انجمن‌ها، سازمان‌ها، گروه‌ها و انجمن‌های غیر دولتی و محلی بوده است.

¹ participation

² Turner

³ Gotri

⁴ Powerless

⁵ Voiceless

⁶ Commitment

تحلیل بردن انرژی و نیروهای انسانی و فکری، ضمن بروز به عنوان یک مشکل ممکن است مشکلات جدی بعدی را دامن بزند.

با توجه به آنچه گفته شد، تجربه کشورهای در حال توسعه و مستندات نظام برنامه‌ریزی برنامه‌های توسعه، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران که یکی از مؤلفه‌های اصلی آن توسعه و مشارکت اجتماعی است، خود گواهی بر اهمیت این موضوع است. در چنین شرایطی، برای تقویت و گسترش امر مشارکت مردم در جامعه به عنوان اصلی حیاتی، شناخت عوامل مؤثر بر آن ضروری است. از این رو پژوهش پیش‌رو به مطالعه و بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی- اجتماعی می‌پردازد و به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که کدام عوامل اجتماعی بر مشارکت سیاسی- اجتماعی شهروندان تأثیر گذارند؟ برای پاسخگویی به این سؤال، هدف‌های زیر دنبال می‌شود:

- ۱) آگاهی از میزان یا سطح مشارکت سیاسی- اجتماعی افراد بر اساس شاخص‌های مشارکتی در جامعه مورد مطالعه؛
- ۲) بررسی میزان تأثیر رضایتمندی اجتماعی بر مشارکت سیاسی- اجتماعی
- ۳) بررسی میزان تأثیر رضایتمندی سیاسی بر مشارکت سیاسی- اجتماعی و
- ۴) بررسی میزان تأثیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی بر مشارکت سیاسی- اجتماعی.

پیشینه تحقیق

تحقیقات داخلی

نتایج تحقیق شفیع شفیع (۱۳۸۱) با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان شهر اردبیل» نشان می‌دهد متغیرهای جنس، سن، تحصیلات، شغل، مدت سکونت، سنت‌گرایی، احساس تعلق اجتماعی،

برآیند این مطالعات نشان می‌دهد که نوعی اتفاق نظر در میان محققان، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و ملی به وجود آمده است مبنی بر این که مشارکت سازمان یافته مردمی عامل کلیدی موفقیت طرح‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای است و راه نجات توسعه از گرفتار شدن در نهادهای دیوانسالار^۱ و خط‌مشی‌های تصمیم‌گیری متمرکز و از بالا، تقویت مشارکت مردمی است.

در برنامه‌های توسعه و نوسازی در ایران، معمولاً توجه اصولی چندانی به ایجاد ساز و کارهایی برای مشارکت مردم و واگذاری برخی اختیارات تصمیم‌گیری و اجرایی به آن‌ها نشده است؛ همچنین بی‌ثباتی‌ها و تسلط حوزه دولتی بر حوزه خصوصی، زیست جهان افراد را با مشکلات زیادی مواجه کرده است نگرش‌های دنیاگرایانه و فردگرای موجود در فرهنگ عمومی نیز مزید بر علت شده است. در نتیجه آنچه اهمیت زیادی پیدا کرده حفظ حوزه خصوصی و منافع فردی است و توجه به مصالح جمعی و پیگیری آن در این میان مطرح نبوده است. گسترش این امر در اقدامات توسعه‌ای اخیر به همراه محدودیت‌های ساختاری برای مشارکت، تعلق خاطر افراد را نسبت به مصالح جمعی و امور عمومی و احساس قدرت تأثیرگذاری بر آن‌ها را کاسته است. حال آن که اصل اساسی جوامع کنونی مشارکت مردم و حضور مؤثر آن‌ها در عرصه عمومی است. نکته دیگر وضعیت جوانان به عنوان قشری با ظرفیت‌های متنوع و کمیت زیاد است که با توفیق نیافتن در به دست آوردن موقعیت اجتماعی و اقتصادی مشارکتی، به سمت رفتارهای انفعالی و مجرمانه کشیده می‌شود. به طوری که احساس تنهایی، ناامیدی، بی‌برنامگی، ابطال وقت، احساس بی‌قدرتی و ناتوانی در تأثیرگذاری بر وضع موجود از ویژگی‌های این قشر محسوب شده است (منطقی، ۱۳۸۳). نبود زمینه‌های مشارکتی در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی با

¹ Bureaucrat

افزایش می‌یابد. در این مطالعه سطح اعتماد به افراد، مأموران دولتی و اعتماد اجتماعی در این مطالعه متوسط ارزیابی شده است. غفاری در تحقیق خود بیشتر از نظریات زتومکا^۱ استفاده کرده است.

تحقیقات خارجی

الکس انکلس^۲، در تحقیقات خود در کشورهای در حال توسعه به ویژگی‌های اجتماعی و روان‌شناختی شهروند مشارکت‌جو پرداخته و دریافته است افرادی که دارای آگاهی سیاسی بالا هستند، مشارکت زیادی فعالیت‌های سیاسی و مذهبی دارند (محسنی، ۱۳۷۸).

دیفر اوسیسکو و گتیلمن در مطالعات خود در روسیه به رابطه میان مشارکت و اعتماد به سایر شهروندان و نظام اشاره کرده‌اند. هنگامی که فرد احساس کند کارکردهای نظام منافع او را تأمین نمی‌کند، به افراد مجری نزدیک می‌شود نه به سیاست‌گذاران. بنابراین به مکانیسم‌های سازش کارانه بها داده می‌شود که مانع ایجاد فرهنگ سیاسی - اجتماعی متکی بر روابط جمعی می‌شود و اجتماع سنتی را تقویت می‌کند (Difranceisci & Gitelman, 1984).

بحری و سیلور، به مطالعه در دوره گورباچف پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که فعالیت و مشارکت اجتماعی افراد به انگیزه‌های آن‌ها بستگی دارد. به احتمال زیاد، افراد منتقد که از زندگی خود ناراضی هستند، به امور سیاسی علاقه ندارند، نداشته باشند یا طرفدار آزادی و عدم کنترل دولت بر آزادی‌های مدنی و اقتصادی هستند (Bahyar & Silver, 1993).

جمع‌بندی و نقد پژوهش‌های پیشین

هر یک از پژوهش‌های پیشین معمولاً بر بعدی از ابعاد عوامل مؤثر بر مشارکت به مفهوم کلی یا مشارکت

احساس مالکیت بر محیط شهری، رضایت از خدمات شهری و عضویت در تشکل‌ها با متغیر مشارکت اجتماعی رابطه معنی‌داری دارند. بیشتر از همه متغیرهای مستقل، متغیر احساس تعلق اجتماعی در مشارکت اجتماعی مؤثر است. در میان دیگر متغیرها، متغیرهای سنت‌گرایی، احساس مالکیت بر محیط شهری، سن و رضایت از خدمات شهری به ترتیب دارای تأثیر در مشارکت اجتماعی هستند.

تحقیق فریده حسینی (۱۳۸۴) با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت جوانان در سازمان‌های غیر دولتی» نشان می‌دهد که سازمان‌های غیر دولتی در نیمه دوم قرن بیستم رشد چشم‌گیری داشته‌اند. در این پژوهش با توجه به الگوی فرانظری کلمن به تبیین نظری مسأله پرداخته شده است و ارزش‌های فرامادی افراد و سرمایه اجتماعی آن‌ها بر مشارکت آن‌ها در سازمان‌های غیر دولتی مؤثر فرض شده‌اند. عوامل اجتماعی نظیر سرمایه اجتماعی، ارزش‌ها و همچنین پایگاه اجتماعی - اقتصادی، تحصیلات، جنسیت و شغل، عوامل تأثیرگذار بر مشارکت در سازمان‌های غیر دولتی فرض شده‌اند و یافته‌ها نیز چنین تأثیری را نشان می‌دهند.

تقوایی و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر تبریز» مهم‌ترین عوامل مؤثر بر منطقه ۴ شهر تبریز را بررسی کرده‌اند. ارزیابی شهروندان منطقه ۴ شهر تبریز از پیامدهای مشارکت به عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد شهروندی، مثبت بوده است. در این پژوهش، پایگاه اقتصادی - اجتماعی شهروندان، اصلی‌ترین عامل مؤثر بر مشارکت و تقویت فرهنگ شهروندی، دانسته شده است. غلامرضا غفاری در تحقیق «اعتماد و مشارکت اجتماعی: بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی» در سال ۱۳۸۰ نشان می‌دهد که با افزایش میزان اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی نیز

¹ Ztmka

² Alex Inkeles

متعددی قرار دارد. برای تبیین موضوع مقاله حاضر از نظریه‌های زیر می‌توان کمک گرفت.

نظریه رضایتمندی اجتماعی

لویس کریزبرگ در کتاب خود با عنوان جامعه‌شناسی تضادهای اجتماعی، با استفاده از نظریه‌های متعدد، سه منشأ اساسی را برای نارضایتی تعیین می‌کند. این سه منشأ اگر چه از منظر و دیدگاه‌های متعدد موضوع نارضایتی را بررسی کرده‌اند، اما اجمالاً بر این نکته وفاق دارند که منشأ نارضایتی را که مخرب مشارکت افراد است، باید در نابرابری‌ها و ارزیابی ناشی از آن جستجو کرد. این سه نگرش متفاوت را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد: اولین نگرش بر اهمیت محرومیت به طور مطلق در افراد و میزان آن تأکید می‌نماید. نگرش دوم بر سطوح ناسازگاری میان موقعیت‌های متفاوتی که افراد در زندگی اجتماعی خود با آن مواجهند تأکید دارد و نگرش سوم به تغییراتی که در طول زمان در آنچه مردم دارند و آنچه تصور می‌کنند باید داشته باشند، اشاره دارد (Kerisberg, 1973).

درباره منشأ نخستین نارضایتی‌های اجتماعی، افرادی مثل رالف دارندورف^۲ بیان می‌کنند که «موافقت کافی وجود دارد که محروم‌ترین افراد، بدترین احساس‌ها را دارند. آن‌ها نیازی ندارند تا بدانند محروم هستند» (Kerisberg, 1973:68). اینکلس^۳ نیز طی مطالعات متعدد این نتیجه را کسب کرده است که سطح رضایت افراد از بخش‌های متعدد، تابعی از توانایی اقتصادی آن‌هاست. کریزبرگ در این باره می‌گوید: «اینکلس، اطلاعات بسیاری را از جوامع مختلف بررسی کرد و دریافت افرادی که در سطح پایین‌تر شغلی یا اقتصادی قرار دارند عموماً بیشتر نارضایتی نشان می‌دهند» (Kerisberg, 1973:68).

منشأ دیگر نارضایتی، شکاف و ناسازگاری میان

اجتماعی تأکید کرده‌اند. مثلاً بعد اقتصادی عوامل مؤثر یا فقط میزان تأثیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی بر مشارکت بررسی شده است. یا اثر متغیری واحد مانند اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی مطالعه شده است نوآوری تحقیق حاضر، خروج از تک علت‌نگری در پدیده‌های اجتماعی و طرح عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روان‌شناسی اجتماعی است. ضمناً در پژوهش‌های صورت گرفته به ندرت به موضوع رضایتمندی به ویژه رضایتمندی سیاسی و رابطه آن با مشارکت سیاسی-اجتماعی پرداخته شده است. در این پژوهش با استفاده از مطالعات قبلی و نظر محقق مفهوم بر ساخته‌ای به نام مشارکت سیاسی-اجتماعی به عنوان متغیر وابسته، با عوامل مختلف دیگر در ارتباط دانسته شده است.

مبانی نظری و مفهومی

مشارکت اجتماعی، مشارکت در مسائل اجتماعی است که در کنار حوزه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... قرار می‌گیرد. «مشارکت اجتماعی عبارت است از شرکت آگاهانه، ارادی، خودانگیخته و هدفمند گروه‌ها و افراد در فرآیندها و امور اجتماعی جامعه به منظور تسهیم و نقش داشتن در کارها، تسهیل و تسریع امور جامعه و بهره‌برداری از نتایج آن‌ها و کمک به اهداف توسعه اجتماعی جامعه» (انصاری، ۱۳۸۳: ۶۲). مایرون وینر^۱ در مقاله مشهور خود در مورد مشارکت سیاسی، این تعریف را ارائه می‌دهد: «مشارکت سیاسی عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا سازمان نیافته، دوره‌ای یا مستمر شامل روش‌های مشروع و غیرمشروع برای تأثیر بر انتخاب رهبران و سیاست‌ها و اداره امور عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است» (قراخانی، ۱۳۸۲: ۸۹). میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی تحت تأثیر عوامل

² Ralf Dahrendorf

³ Aynkls

¹ Myron Weiner

بخش‌های متعدد زندگی فردی است که افرادی مثل لنسکی و گافمن^۱ به آن توجه کرده‌اند: «نارضایتی ناشی از عدم توازن در مرتبت و منزلت، عدم هماهنگی و ناسازگاری در موقعیت‌های متفاوت، سبب خواهد شد که افرادی که در بعضی ابعاد در رتبه بالا و در بعضی ابعاد دیگر در رتبه پایین قرار دارند و یا خود را چنین ارزیابی می‌نمایند، به طور مشخص ناراضی باشند» (Kerisberg, 1973:70).

منشأ سوم نارضایتی از عدم پذیرش آنچه مردم دارند و یا فزونی در آنچه انتظار دارند داشته باشند، ناشی می‌شود. عدم رضایت زمانی آغاز می‌شود که مردم در آنچه احساس می‌کنند باید و یا می‌توانند داشته باشند، نوعی افت را مشاهده کنند. این شکاف و یا اختلال، پایه‌های اساسی شورش، خشم، اضطراب و نارضایتی است (Kerisberg, 1973:76).

«لوئیس کوزر نیز عواملی را مورد تأکید قرار می‌دهد. او هنگام بحث درباره علل تضاد، بر ارزیابی از نابرابری تأکید می‌نماید. کناراندازی مشروعیت نظام موجود توزیع، نارضایتی از محرومیت را ایجاد می‌کند» (ترنر، ۱۳۷۱:۱۵۰). این نارضایتی از محرومیت متأثر از نوع فشار اجتماعی است که ممکن است بر افراد محروم اعمال گردد. ارزیابی از شرایط خود و دیگری سبب بروز احساس تبعیض خواهد شد و این احساس به نوبه خود، سبب زیر سؤال رفتن مشروعیت توزیع منابع در جامعه می‌گردد. این نکته مورد تأکید دارندورف نیز هست که وقوف بر شرایط نابرابر و ارزیابی منفی از آن را دلیل بروز نارضایتی و تضادهای اجتماعی می‌داند. بنابراین نارضایتی به سبب پیامدهای مخرب خود امکان حضور در صحنه اجتماعی را برای فرد به حداقل می‌رساند و سبب ایجاد تکروری می‌شود.

نظریه رضایتمندی سیاسی

ساموئل هانتینگتون^۲ دانشمند علم سیاست در آمریکا، تالیفات متعددی درباره توسعه و مشارکت سیاسی-اجتماعی دارد که «سامان سیاسی در جوامع دست‌خوش تغییر» و «مشارکت سیاسی در کشورهای در حال توسعه»^۳ از آن جمله‌اند. مقاله جنجال برانگیز او با عنوان «برخورد تمدن‌ها»^۴ مدت‌هاست که مورد نقد و تفسیر محافل مختلف بین‌المللی قرار گرفته است. هانتینگتون و نلسون مدعی‌اند که توسعه اقتصادی و اجتماعی، لزوماً به توسعه و مشارکت سیاسی نمی‌انجامد. تنها در دوره‌های بسیار طولانی است که می‌توان رابطه قابل قبولی میان سطوح بالاتر توسعه اقتصادی و اجتماعی و سطوح بالاتر مشارکت مشاهده کرد. به‌طور کلی «عواملی مانند مهاجرت، جنگ خارجی، علایق مذهبی و عقیدتی، کاملاً مستقل از توسعه اقتصادی موجب ارتقای آگاهی گروهی و دخالت در سازمان‌ها و نیز تشدید فعالیت‌های دولت می‌شوند که به نوبه خود محتمل است که مشارکت سیاسی را افزایش دهند». از نظر این دو نویسنده «مشارکت اجتماعی و سیاسی تابع دو عامل کلی نگرش‌ها و اولویت‌های نخبگان سیاسی، وضع گروه‌ها، انجمن‌ها و نهادهای اجتماعی واسط در حوزه جامعه است» (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۵).

طبق نظر این دو، فرآیند توسعه اقتصادی-اجتماعی از دو طریق می‌تواند به گسترش مشارکت سیاسی اجتماعی بیانجامد:

الف) مجرای تحرک اجتماعی؛ به این معنی که کسب منزلت بالاتر اجتماعی به نوبه خود در فرد احساس توانایی و نگرش‌های معطوف به تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های عمومی را ایجاد می‌کند و این عوامل ذهنی در مجموع می‌تواند مشوق مشارکت در سیاست و امور اجتماعی باشد. متغیرهای منزلتی؛ یعنی میزان سواد و تحصیلات فرد، بیشترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی دارند. احساس بی‌قدرتی و احساس بی‌معنی بودن فعالیت سیاسی و مدنی و اعتقاد به بی‌تأثیری اعمال فردی در روند وقایع و امور سیاسی-

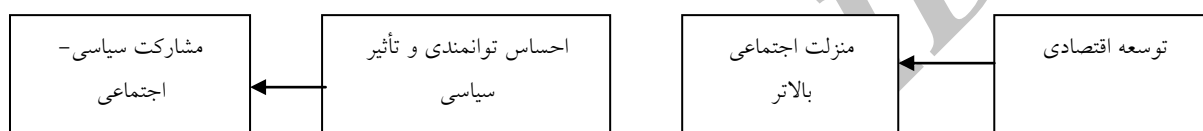
² S.Huntington

³ Political participation in developping country

⁴ Clash of civilization

¹ Lenski and Goffman

از دیدگاه فوق، مشارکت سیاسی و اجتماعی، بیشتر متأثر از مداخله و همکاری افراد در فعالیت‌ها، تشکل‌ها و سازمان‌هاست؛ یعنی میزان عضویت و همکاری فعال در گروه‌ها، انجمن‌ها، اجتماعات و نهادهای مردمی، احزاب سیاسی، نوعی بینش و مسؤولیت فردی و جمعی برای فرد ایجاد می‌کند لذا تداوم همکاری و مشارکت، برای او حکم یک ضرورت یا حتی یک وظیفه و تکلیف انسانی می‌شود. در شکل ۱ مسیر تأثیر متغیرهای اجتماعی بر مشارکت مشخص شده است.



شکل ۱- مسیر تأثیر متغیرهای اقتصادی-اجتماعی بر میزان مشارکت

حامل و دارنده قدرت است. دولت از قدرت برای برخورداری از پشتیبانی طبقات پایین جامعه، برای سرکوبی و حذف طبقات متوسط استفاده می‌کند.

ه) مدل تکنوکراتیک توسعه؛ از ویژگی‌های اساسی این نوع حکومت، نخبه‌گرایی و پایین بودن سطح مشارکت مردم است. در این مدل، از مشارکت سیاسی مردم به نفع توسعه و رشد اقتصادی جلوگیری می‌شود.

طراحان مدل‌های مزبور سعی می‌کنند هر مدل را در دو شرایط توسعه‌ای بررسی کنند. یکی حالتی است که طبقات مختلف خواهان دسترسی به قدرت و مشارکت سیاسی هستند و دوم، وضعیتی است که به موجب آن، توسعه اقتصادی، نابرابری‌های اقتصادی را به دنبال دارد. در پایان، هانتینگتون و نلسون تلاش می‌کنند رابطه میان گسترش یا تحدید مشارکت سیاسی-اجتماعی و درجه برابری اقتصادی اجتماعی را بررسی کنند.

هانتینگتون معتقد است معیارهای توسعه سیاسی، پیچیدگی، استقلال، انعطاف‌پذیری و یگانگی هستند. در واقع مشارکت از دیدگاه وی، فعالیت شهروندان خصوصی برای

اجتماعی نگرشی منفی است که میزان مشارکت را به حداقل می‌رساند.

ب) مجرای سازمانی؛ یعنی عضویت و مشارکت فعال در گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی (گروه‌های مدافع علایق خاص، اتحادیه‌های شغلی و صنفی) احتمال مشارکت در فعالیت اجتماعی و سیاسی را بیشتر می‌کند. نویسندگان در تحلیل خود به این نتیجه می‌رسند که «منزلت اجتماعی-اقتصادی، تقریباً ده درصد واریانس مشترک را توضیح می‌دهد حال آن که دخالت در فعالیت سازمان‌ها، تقریباً ۲۵ درصد این واریانس را تبیین می‌کند» (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۶).

هانتینگتون و نلسون، بر حسب میزان و نوع مشارکت در نظام‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، مدل‌های چندگانه‌ای تدوین کرده‌اند. مدل‌های آن‌ها به ترتیب زیرند (قوام، ۱۳۷۴: ۸۳):

الف) مدل سرمایه‌داری توسعه؛ در این مدل بیشتر به نیازهای سیاسی یک طبقه نوظهور متوسط در چارچوب توسعه نهادهای انتخاباتی و قانون‌گذاری توجه می‌شود.

ب) مدل مردم‌گرایی^۱؛ در این مدل تأکید عمده بر مشارکت و تجهیز گسترده سیاسی مردم و مساوات اقتصادی علی‌رغم پایین بودن میزان رشد اقتصادی است.

ج) مدل لیبرال؛ نوسازی و توسعه در این مدل، موجب اعتلای شرایط مادی جامعه شده است. این نوع شرایط مادی، مستعد و پذیرای هر نوع تغییر با مسائل مختلف است. البته تلاش نظام، همواره حل و فصل مشکلات ناشی از این فرآیند است.

د) مدل استبداد و خودکامگی^۲؛ در این مدل، دولت

^۱ Populism

^۲ Depotism

تأثیر نهادن بر فرآیند تصمیم‌گیری‌های دولت است.

کیندر و کیویت^۱ (۱۹۷۹) نیز دریافتند رابطه میان اقتصاد و سیاست صرفاً تعقیب دقیق مانع اقتصادی نیست بلکه تا حدود زیادی جامعه‌گرایانه است. شخص به حکومتی رأی می‌دهد که بنا بر استنباطش به کشور خدمت کرده است، بدون ملاحظه این‌که چه تأثیری بر وضعیت مالی خودش گذاشته است. رضایت از زندگی، رضایت سیاسی، اعتماد به یکدیگر، میزان زیاد بحث سیاسی و حمایت از نظم اجتماعی موجود، نشانه نگرش مثبت نسبت به جهانی است که شخص در آن زندگی می‌کند. رضایت از زندگی، خوشبختی، اعتماد به یکدیگر و این‌که شخص از دگرگونی‌های بنیادین اجتماعی یا از جامعه کنونی خود حمایت کند، همه با هم در یک دسته فرهنگی که ارتباط تنگاتنگ با تداوم یا فقدان نهادهای دموکراتیک برای مدت طولانی در یک جامعه دارد گرد هم می‌آیند. به نظر می‌رسد این نگرش‌ها جنبه‌ای دیرینه از فرهنگ‌های مورد نظرند و مؤلفه بلند مدتی را تشکیل می‌دهند که زمینه ساز سطوح مطلق رضایت از عملکرد حکومت در هر زمان معین است. این نشانه‌ها همچنین با سطح اقتصادی یک کشور در ارتباط است. کشورهای توسعه یافته‌تر از لحاظ رضایت سیاسی، اعتماد به یکدیگر و دیگر عناصر این نشانه‌ها نسبتاً در قسمت بالایی قرار دارند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۴۶).

رابرت دال^۲ در صدد است که مشخص کند چه عواملی سبب کناره‌گیری برخی مردم از سیاست می‌شود و چرا بعضی بیش از دیگران خود را در امور سیاسی درگیر می‌کنند و مشارکت و حضور بیشتری دارند. وی با استناد به یافته‌های بررسی‌های خود استدلال می‌کند که طبقه یا قشر سیاسی به این دلیل در فرآیندهای سیاسی مداخله و مشارکت دارد که:

۱- برای پاداش یا مزایای حاصل از آن، ارزش بسیار

فائل است.

۲- تصور می‌کند راه‌هایی که به این ترتیب ممکن است پیش روش قرار بگیرد مهم‌تر از راه‌های دیگر است.

۳- مطمئن است حتماً می‌تواند در نتایج تصمیمات تأثیرگذار باشد.

۴- معتقد است اگر خودش خوب کار نکند نتایج کارها برای او چندان رضایت بخش نخواهد بود.

۵- در مورد واقعه یا مسأله مورد نظر، شناخت و مهارت کافی دارند یا لاقول فکر می‌کند که از چنین آگاهی و دانشی برخوردار است.

۶- معتقد است برای پرداختن به عمل سیاسی و ورود به عرصه سیاست لازم نیست حتماً از موانع و سدهای چندان بگذرد (دال، ۱۳۶۴: ۱۴۲-۱۴۸).

رابرت لین^۳ اثربخشی را احساس تسلط و کنترل داشتن روی خویش و محیط برای حسی از سودمند بودن سیاسی تعریف می‌کند. این احساس سبب می‌شود مردم که نسبت به روند سیاسی خود هوشیارتر شوند و در روند سیاسی مشارکت فعال‌تری داشته باشند. بسیاری از پژوهشگران اثر بخشی را متغیری کلیدی در فعالیت سیاسی به‌شمار آورده‌اند. آنان در مطالعات خود دریافته‌اند که ارزیابی فرد از میزان اثربخشی و از توانایی و شایستگی‌اش در مشارکت سیاسی بر تمایل وی به مشارکت در امور سیاسی تأثیر می‌گذارد (پالمر و اشترن، ۱۳۶۷: ۱۵۹).

نظریه پایگاه اقتصادی - اجتماعی

آلموند و پاول^۴ ضمن تأکید بر تحصیلات، درآمد و رتبه شغلی افراد در تعیین پایگاه اقتصادی - اجتماعی آنان معتقدند که شهروندان تحصیل کرده، ثروتمند و بهره‌مند از مهارت‌های حرفه‌ای بالاتر، احتمال بیشتری دارد که واجد ایستارهای مشارکت‌جویانه باشند. منابع و

³ Robert Lane

⁴ Almond & Powell

¹ Kyndr and Kyvyt

² Robert Dahl

مشارکت سیاسی-اجتماعی پرداخته‌اند، برای تبیین کامل‌تر این مسأله ضروری است از دیدگاه‌های مختلف یک چارچوب نظری تلفیقی شکل داد. این نظریه‌ها عبارتند از:

- ۱- نظریه لوئیس کریزبرگ، دارندورف و دیگر نظریه‌پردازان درباره رضایتمندی اجتماعی و ابعاد آن؛
- ۲- نظریه هانتینگتون و نلسون، کیندر و کیویت، رابرت دال و لین و دیگر نظریه‌پردازان درباره رضایتمندی سیاسی و منزلت اجتماعی-سیاسی و احساس اثربخشی سیاسی و
- ۳- نظریه آلموند و پاول و دنیس هلی و دیگر نظریه‌پردازان درباره رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی با مشارکت اجتماعی-سیاسی.

فرضیه‌ها

- ۱- افرادی که میزان رضایتمندی سیاسی آنان بیشتر است، مشارکت سیاسی-اجتماعی بالاتری از افرادی که میزان رضایتمندی سیاسی آنان کمتر است دارند.
- ۲- افرادی که میزان رضایتمندی اجتماعی آنان بیشتر است، مشارکت سیاسی-اجتماعی بالاتری از افرادی که میزان رضایتمندی اجتماعی آنان کمتر است دارند.
- ۳- افرادی که پایگاه اقتصادی-اجتماعی آنان بالاتر است، نسبت به از افرادی که پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین‌تری دارند مشارکت اجتماعی-سیاسی بیشتری دارند.

بر اساس چارچوب نظری فوق و فرضیه‌های مستخرج می‌توان مدل تحلیلی-فرضی زیر را ترسیم کرد و در بررسی میدانی تا حد محاسبه همبستگی‌ها و آزمون رابطه‌های احتمالی به پیش رفت.

مهارت‌هایی که این‌گونه افراد در زندگی خصوصی خود به دست می‌آورند، در مواردی که وظیفه یا ضرورت حکم کند، می‌تواند این شهروندان را به سهولت به مشارکت سیاسی بکشاند (آلموند و پاول، ۱۳۸۰: ۱۳۸).

دنيس هلی^۱ (1997) مشارکت اجتماعی افراد را با چند دسته از عوامل تبیین می‌کند:

- الف) عوامل مرتبط با ویژگی‌های فردی مانند پایگاه اجتماعی-اقتصادی فرد در جامعه که سبب می‌شود وی هر فعالیت اجتماعی یا به طور عادی هر راهبرد شخصی را که سبب پیشرفت نسبت به والدین، امید به اشتغال، آموزش و امید به آینده می‌شود مفید تلقی کند؛
- ب) سطح تحصیلات؛
- ج) گروه سنی؛
- د) جنسیت و سویه‌گیری جنسی و

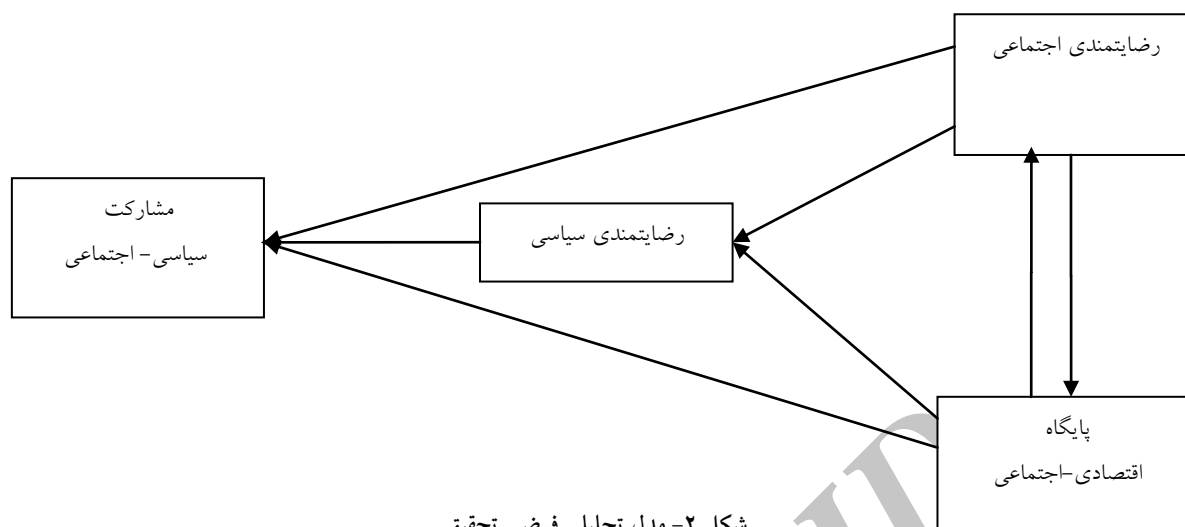
و) زمینه خانوادگی شامل محل اقامت، میزان مشارکت والدین، وضعیت تأهل و محیط اجتماعی شدن.

او همچنین در مورد محرک‌های اجتماعی به عواملی چون شناخت عامه از مهاجران، تنوع فرهنگی گروه‌هایی که با جامعه همکاری می‌کنند، پیکار یا تبعیض، وسعت گروه‌های مرجع در ساختارهای اجتماعی، خط مشی‌های حمایت‌کننده و برنامه‌هایی برای فعالیت مؤسسه‌های قومی اشاره می‌کند. به عقیده او، به دلیل آن‌که این فرصت‌ها برای وابستگی و فعالیت‌هایی مانند همیاری چند جانبه و کارهای داوطلبانه تعیین‌کننده است، می‌تواند خط‌مشی‌هایی را برای فعالیت‌های اجتماعی محلی و به ویژه افراد جوان فراهم کند (Helly, 1997:5).

چارچوب نظری حاصل از مبانی نظری و مفهومی

از آن‌جا که در تبیین موضوعات و مسائل اجتماعی نمی‌توان تک علتی نگریست و همچنین نظریه‌های مطرح شده در این مقاله هرکدام به بعدی از ابعاد موضوع

¹ Helly. Denis



شکل ۲- مدل تحلیلی فرضی تحقیق

روش‌شناسی

این تحقیق با توجه به اهداف مورد نظر، از حیث هدف کاربردی، از حیث ماهیت توصیفی و تحلیلی و از حیث آزمون فرضیات، پیمایشی است. واحد مشاهده و تحلیل این پژوهش، فرد است. جمعیت آماری شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرج هستند. بر اساس آماری که از مرکز آمار ایران گرفته شد، این جمعیت در سال ۱۳۹۰ در شهر کرج (نه نقاط روستایی) برابر با ۱۹۶۷۰۰۵ نفر هستند. همانند اکثر پژوهش‌های پیمایشی، ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه است. برای اجرا و توزیع پرسشنامه در نمونه آماری، روش مناسب روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای^۱ است که این روش جزء روش‌های احتمالی^۲ نمونه‌گیری است. بر اساس بافت اقتصادی و فرهنگی، سه خوشه در نظر گرفته شد و هر یک از مناطق شهر کرج در خوشه‌ای قرار گرفت و از هر خوشه منطقه‌ای به عنوان نمونه به شیوه تصادفی ساده انتخاب شد و پرسشنامه‌ها در میان شهروندان سه منطقه اجرا گردید. روایی پرسشنامه مذکور از نوع اعتبار صوری است؛ بدین گونه که از صاحب‌نظران فن و کارشناسان این حوزه برای اعتبار پرسشنامه کمک

گرفته شده است. برای پایایی پرسشنامه نیز بعد از اجرای پیش‌آزمون از ضریب آلفا استفاده گردیده است. مقدار آلفای به دست آمده برای تمام متغیرها ۰/۷۰ و بالاتر است که مقدار مناسبی به نظر می‌رسد. برای تعیین حجم نمونه تحقیق از فرمول نمونه‌گیری کوکران استفاده شده است. در این فرمول با جمعیت ۱۹۶۷۰۰۵ نفر، دقت احتمالی ۵٪ و با فرض بیشترین پراکندگی صفات مورد مطالعه و $(P = ۰/۵)$ و $(q = ۰/۵)$ حجم نمونه برابر ۳۸۴ نفر برآورد شده است. با پیش‌بینی ریزش احتمالی نمونه، حدود ۵ درصد به اندازه نمونه افزوده شده است و در نهایت ۴۰۰ نفر به عنوان نمونه اصلی پژوهش تعیین شده است.

شاخص سازی متغیر مشارکت سیاسی-اجتماعی^۳

در تعریف مشارکت سیاسی-اجتماعی، نظریه‌پردازان حوزه علوم اجتماعی تعریف‌های مختلفی دارند اما اکثراً بر مؤلفه‌های زیر در تعریف مشارکت تأکید می‌کنند: فعالیت‌های ارادی، شرکت در امور محله، شهر و روستا، فعالیت مستقیم یا غیرمستقیم، عضویت ساده در

^۳ معرف‌ها و گویه‌های هر شاخص به تفکیک و با ذکر مقدار آلفای هر گویه و شاخص در پیوست آمده است.

^۱ Cluster sampling

^۲ probability

در تعریف رضایتمندی تعاریف گوناگونی بیان شده است اما در بررسی این تعاریف مؤلفه‌های زیر برجسته‌تر هستند: یک وضعیت روان‌شناختی یا حالت و شرایطی است که با ارزیابی و انتظار هر فرد از ارضای نیاز، انتظارات، آرزوها و امیال خود روی می‌دهد (Simon, 1982؛ نادری، ۱۳۸۳؛ Millan & Esteban, 2004). منظور از رضایتمندی اجتماعی، میزان رضایت افراد پاسخگو از جامعه و اجتماعی است که در آن زندگی می‌کنند. در تحقیق حاضر رضایتمندی اجتماعی به وسیله معرف‌های زیر تعریف عملیاتی می‌شود:

این متغیر در درجه اول دارای دو بعد است: الف) رضایت از اوضاع فردی ب) رضایت از اوضاع اجتماعی.

الف) رضایت از اوضاع فردی به وسیله معرف‌های زیر تعریف عملیاتی می‌شود:

رضایت از خود (۲گویه) و رضایت از زندگی خود (۱گویه)

مقدار آلفای کل این شاخص ۰/۷۰ است.

ب) رضایت از اوضاع اجتماعی به وسیله معرف‌های زیر تعریف عملیاتی می‌شود:

رضایت از زندگی در جامعه (۴ گویه)، اعتماد اجتماعی (۳ گویه)، احساس امنیت اجتماعی (۲ گویه)، احساس تعلق اجتماعی (۳ گویه)

مقدار آلفای کرونباخ این شاخص برای اطمینان از پایا بودن ۰/۷۰ است.

شاخص‌سازی رضایتمندی سیاسی

منظور از رضایتمندی سیاسی میزان رضایت افراد پاسخگو از وضعیت سیاسی، نهادها و حاکمان و مسئولان سیاسی کشور است (عظیمی، ۱۳۸۰). در تحقیق حاضر رضایتمندی سیاسی به وسیله معرف‌های زیر تعریف عملیاتی می‌شود:

این متغیر در درجه اول دارای سه بعد است: رضایت از وضعیت سیاسی موجود (۳ گویه)، رضایت از حاکمان و مسئولان نظام (۲ گویه)، رضایت از نهادها و

انجمن‌های محلی، خیریه، شغلی و فعالیت در این سازمان‌ها، سهمین شدن مردم در تصمیم‌گیری‌ها، درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی، داشتن مقام رسمی سیاسی یا اجتماعی، تلاش سازمان یافته شهروندان، تأثیر بر هدایت سیاسی جامعه (فراخانی، ۱۳۸۲؛ رضایی، ۱۳۷۵؛ Van Deth, 2001؛ راش، ۱۳۷۷).

در پژوهش حاضر تلاش شده است به همه ابعاد مشارکت توجه شود ولی مشارکت اجتماعی در کانون توجه پژوهش حاضر است. به این دلیل با برجسته ساختن مشارکت سیاسی به عنوان هسته اصلی مشارکت اجتماعی، متغیر خاصی برای این تحقیق ساخته شده که از آن با عنوان مشارکت سیاسی-اجتماعی یاد می‌شود. با توجه به اهمیت متغیر وابسته این پژوهش و نیز مفهومی بودن این متغیر، نحوه عملیاتی کردن برای سنجش آن تشریح می‌گردد. این متغیر به لحاظ عملیاتی در دو سطح ذهنی^۱-گرایشی^۲ و عینی^۳-رفتاری^۴ سنجیده شده است.

الف) سطح ذهنی-گرایشی با توجه به معرف‌های زیر عملیاتی شده است:

داشتن روحیه مشارکتی (۵گویه)، ارزیابی میزان تأثیرگذاری (۲گویه)، داشتن آگاهی و اطلاعات (۲گویه) مقدار آلفای کل شاخص ۰/۷۲ است.

ب) سطح عینی-رفتاری با توجه به معرف‌های زیر عملیاتی می‌شود:

عضویت مشارکتی (بعد نظارتی و میزان عضویت و فعالیت) (برای عضویت در هر مجمع یک نمره) (۸ گویه) موقعیت مشارکتی: دارای مسئولیت (نمره ۳)، فعال (نمره ۲)، عادی (نمره ۱) (۱گویه)

مقدار آلفای کل شاخص ۰/۸۴ محاسبه شد.

شاخص‌سازی رضایتمندی اجتماعی

¹ subjective
² Attitudinal
³ Objective
⁴ Behavioral

می‌دهند. کوچک‌ترین سن در میان افراد ۱۸ و بیشترین ۷۰ و میانگین سنی، ۲۷/۲۷ سال بوده است. به لحاظ وضعیت سواد نیز میانگین سواد ۱۵ (لیسانس) بوده است. به لحاظ وضعیت تأهل، ۶۶/۵ درصد افراد مجرد بودند و تنها ۳۳/۵ درصد از پاسخگویان متأهل بودند. به لحاظ درآمد نیز میانگین درآمد برابر با ۷۰۶ هزار تومان است.

توصیف متغیر وابسته

در این قسمت اطلاعات توصیفی شاخص مشارکت سیاسی - اجتماعی افراد ارائه می‌شود. این شاخص از ترکیب دو سطح ذهنی - گرایشی و عینی - رفتاری به دست آمد و در واقع مجموع نمرات گویه‌هاست. کم‌ترین مشارکت در میان افراد برابر با ۱۳ و بیشترین نمره برابر با ۷۶ بوده است و در نتیجه، دامنه تغییرات برابر با ۶۳ است. میانگین نمره مشارکت افراد ۴۳/۱۷۴۴ و انحراف معیار ۱۲/۰۴۹۶۳ است. چنانچه ملاحظه می‌شود میزان چولگی شاخص برابر با ۰/۰۰۳- و کشیدگی آن برابر با ۰/۶۰۶- است و مطابق با آزمون کولموگروف - اسمیرنوف که مقدار آن ۱/۰۲۷ به دست آمد و سطح معنی‌داری ۰/۲۳۲، شکل توزیع رضایت شغلی از توزیع نرمال برخوردار است. همچنین علامت مثبت چولگی بیانگر این است که اکثر افراد نمرات کمتر از میانگین را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۱- آماره‌های توصیفی شاخص مشارکت سیاسی - اجتماعی

دامنه	۶۳
کوچک‌ترین	۱۳
بزرگ‌ترین	۷۶
میانگین	۴۳/۱۷۴۴
انحراف معیار	۱۲/۰۴۹۶۳
واریانس	۱۴۵/۱۹۴
چولگی	-۰/۰۰۳
کشیدگی	-۰/۶۰۶

برای سهولت فهم و اندازه‌گیری متغیر میزان مشارکت افراد، سعی شده است این متغیر در پنج طبقه تقسیم‌بندی

سازمان‌های دولتی (۲ گویه). مقدار آلفای کرونباخ این شاخص برای اطمینان از پایا بودن برابر با ۰/۸۵ است.

شاخص‌سازی پایگاه اقتصادی - اجتماعی

اصولاً پایگاه اقتصادی - اجتماعی؛ یعنی جایی که هر کس در ساخت اجتماعی اشغال می‌کند؛ وضع یا اعتبار اجتماعی که معاصران فرد در بطن جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند به طور عینی به او تفویض می‌کنند؛ همچنین وضع یا مرتبتی است که شخص به طور ذهنی حفظ می‌کند یا سعی در نگهداری آن در نظر دیگران دارد؛ جایی که یک فرد خاص در نظامی مخصوص و در زمانی معین اشغال کند (آلن بیرو، ۱۳۷۰: ۳۸۰). در این تحقیق منظور از پایگاه اقتصادی - اجتماعی میانگین نمرات مربوط به منزلت شغلی شغل سرپرست خانواده، سطح تحصیلات و میزان درآمد ماهیانه خانواده پاسخگو است.

منزلت شغلی به هفت گروه تقسیم می‌شود و نمره ۷ به بالاترین منزلت شغلی و نمره ۱ به کمترین منزلت شغلی داده می‌شود (رجب‌زاده، ۱۳۸۱). تحصیلات نیز به هفت سطح تقسیم می‌شود. چون در حال حاضر نظام مقایسه‌ای برای تعیین درجه تحصیلات حوزوی در نظام آموزشی رسمی وجود دارد، تحصیلات حوزوی را هم بر مبنای دسته‌بندی فوق کد گذاری کرده‌ایم (چاوشیان، ۱۳۷۶). میزان درآمد ماهیانه هم به شش سطح تقسیم می‌شود. با ترکیب درآمد، تحصیلات و منزلت شغلی، شاخصی به وجود می‌آید که کمترین نمره آن ۱ و بیشترین ۲۸ خواهد بود. ضریب آلفا برای همبستگی درونی اجزای این شاخص ۰/۸۱ است.

یافته‌های پژوهش

توصیف جمعیت نمونه

از مجموع ۴۰۰ نفر پاسخگو، ۷۴/۸ درصد از پاسخگویان را مردان و ۲۳/۳ درصد از پاسخگویان را زنان تشکیل

مشارکت پایینی دارند. همچنین ۱۸ درصد از پاسخگویان دارای مشارکت بالا و ۰/۸ درصد مشارکت بسیار پایین و ۰/۵ درصد هم مشارکت بسیار بالا را در حوزه اجتماعی-سیاسی را دارند. مقادیر گم شده این شاخص نیز ۸/۳ درصد است.

شود تا توزیع فراوانی افراد در طبقات مختلف، توضیح رساتری از مشارکت سیاسی-اجتماعی افراد به دست دهد. از این رو پس از ساخت شاخص مشارکت سیاسی-اجتماعی، افراد در پنج طبقه قرار گرفتند. همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، ۱۸۹ نفر افراد؛ یعنی ۴۷/۳ درصد از افراد مشارکت متوسطی دارند و ۲۵/۳ درصد نیز

جدول ۲- توزیع فراوانی افراد با توجه به مشارکت سیاسی-اجتماعی

ابعاد	فراوانی	درصد	درصد معتبر	فراوانی تجمعی
مشارکت بسیار پایین	۳	۰/۸	۰/۸	۰/۸
مشارکت پایین	۱۰۱	۲۵/۳	۲۷/۵	۲۸/۳
مشارکت متوسط	۱۸۹	۴۷/۳	۵۱/۵	۷۹/۸
مشارکت بالا	۷۲	۱۸	۱۹/۶	۹۹/۵
مشارکت بسیار بالا	۲	۰/۵	۰/۵	۱۰۰
جمع	۳۶۷	۹۱/۸	۱۰۰	
مقادیر گم شده	۳۳	۸/۳		
جمع کل	۴۰۰	۱۰۰		

میزان رضایت سیاسی متوسط، ۴ درصد افراد دارای میزان رضایت سیاسی بالا و ۰/۵ درصد از افراد دارای میزان رضایت سیاسی بسیار بالایی هستند. مقادیر گم شده این شاخص برابر با ۷/۸ درصد است که نشان‌دهنده حساسیت پاسخگویان به سؤالات مربوط به این متغیر است.

متغیرهای مستقل چگونه توصیف و توزیع شده اند؟

رضایتمندی سیاسی

با توجه جدول ۳، ۴/۸ درصد افراد نمونه از وضعیت سیاسی کشور کاملاً ناراضی هستند. ۲۳ درصد افراد دارای رضایت سیاسی بسیار پایین، ۳۴/۵ درصد دارای میزان رضایت سیاسی پایین، ۲۵/۵ درصد پاسخگویان دارای

جدول ۳- توزیع فراوانی افراد با توجه به رضایت سیاسی

میزان رضایت سیاسی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	فراوانی تجمعی
کاملاً ناراضی	۱۹	۴/۸	۵/۱	۵/۱
رضایت سیاسی بسیار پایین	۹۲	۲۳	۲۴/۹	۳۰/۱
رضایت سیاسی پایین	۱۳۸	۳۴/۵	۳۷/۴	۶۷/۵
رضایت سیاسی متوسط	۱۰۲	۲۵/۵	۲۷/۶	۹۵/۱
رضایت سیاسی بالا	۱۶	۴	۴/۳	۹۹/۵
رضایت سیاسی بسیار بالا	۲	۰/۵	۰/۵	۱۰۰
جمع	۳۶۹	۹۲/۳	۱۰۰	
مقادیر گم شده	۳۱	۷/۸		
جمع کل	۴۰۰	۱۰۰		

رضایتمندی اجتماعی

با توجه به یافته‌های توصیفی مندرج در جدول ۴، ۲۳/۸ درصد افراد نمونه دارای رضایت اجتماعی پایین، ۵۵/۳ درصد دارای میزان رضایت اجتماعی متوسط و ۹ درصد دارای میزان رضایت اجتماعی بالا هستند. این یافته‌ها

حاکی از آن است که میزان رضایتمندی افراد از خود و جامعه، متوسط رو به پایین است. مقادیر گمشده این شاخص برابر با ۱۲ درصد است که نشان‌دهنده حساسیت پاسخگویان به سؤالات این متغیر است.

جدول ۴- توزیع فراوانی افراد با توجه به رضایت اجتماعی

میزان رضایتمندی اجتماعی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	فراوانی تجمی
رضایت اجتماعی پایین	۹۵	۲۳/۸	۲۷	۲۷
رضایت اجتماعی متوسط	۲۲۱	۵۵/۳	۶۲/۸	۸۹/۸
رضایت اجتماعی بالا	۳۶	۹	۱۰/۲	۱۰۰
جمع	۳۵۲	۸۸	۱۰۰	
مقادیر گمشده	۴۸	۱۲		
جمع کل	۴۰۰	۱۰۰		

پایگاه اقتصادی-اجتماعی

این شاخص از مجموع نمرات تحصیلات، منزلت شغلی و درآمد خانواده فرد تشکیل شده است. کوچک‌ترین پایگاه در میان افراد برابر با نمره ۴ و بیشترین نمره برابر با ۲۰ بوده است. در نتیجه دامنه تغییرات برابر با ۱۶ است. میانگین نمره پایگاه ۱۳/۵۰۱۱ درآمده است و انحراف

معیار ۳/۵۲ است. گرچه متغیر پایگاه یک متغیر فاصله‌ای در نظر گرفته شده است اما سعی شد این متغیر به صورت متغیر رتبه‌ای نشان داده شود تا توزیع فراوانی افراد در طبقات مختلف بهتر مشخص باشد. همان‌طور که در جدول ۵ مشخص است، بیشتر پاسخگویان در پایگاه متوسط قرار دارند.

جدول ۵- توزیع فراوانی افراد بر حسب پایگاه

پایگاه	فراوانی	درصد
پایگاه پایین	۱۳۹	۳۴/۸
پایگاه متوسط	۱۹۵	۴۸/۸
پایگاه بالا	۴۷	۱۱/۸
مقادیر گمشده	۱۹	۴/۸

آزمون‌های آماری

با توجه به سطح سنجش متغیرها، آماره t (ضریب همبستگی پیرسون) برای تشریح یافته‌های استنباطی

مناسب تشخیص داده شد. خلاصه نتایج در جدول ۶ آمده است:

جدول ۶- نتایج آزمون ارتباط متغیرهای پژوهش با مشارکت سیاسی-اجتماعی

شاخص مشارکت سیاسی-اجتماعی	سطح معناداری	متغیرهای پژوهش
۰/۵۳۳	I پیرسون	میزان رضایتمندی سیاسی
۰/۰۰۰	سطح معناداری (دو طرفه)	تعداد
۳۴۳	I پیرسون	میزان رضایتمندی اجتماعی
۰/۱۸۱	سطح معناداری (دو طرفه)	تعداد
۰/۰۰۱	I پیرسون	پایگاه اقتصادی-اجتماعی
۳۲۹	سطح معناداری (دو طرفه)	تعداد
-۰/۶۵	I پیرسون	
۰/۲۲۵	سطح معناداری (دو طرفه)	
۳۵۰	تعداد	

میان دو متغیر، رابطه معنادار نیست و فرضیه تحقیق رد می‌شود.

تحلیل رگرسیون چند متغیره

برای بررسی مدل تحقیق تأثیر همزمان متغیرهای مستقل تحقیق بر متغیر وابسته، از آزمون رگرسیون چند متغیره و از روش اینتر استفاده شد. در این پژوهش، ضریب تعیین برابر با ۰/۳۰ به دست آمد و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۲۹۵ است که نشان می‌دهد ۳۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته (مشارکت سیاسی-اجتماعی) توسط متغیرهای مستقل تحقیق تبیین می‌شوند و مابقی تغییرات (۷۰ درصد) توسط متغیرهای دیگری که در این مدل قرار ندارند توضیح داده می‌شود. همچنین نتیجه آزمون F که در سطح کوچک‌تر از یک درصد معنادار است نشان می‌دهد که مدل رگرسیونی تحقیق مدل مناسبی است و قادر است به خوبی تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهد. خلاصه نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷- نتایج رگرسیون چند متغیره

R	R square	Adj R square	F	Sig
۰/۵۴۸	۰/۳۰۱	۰/۲۹۵	۴۳/۰۱۵	۰/۰۰۰

ارقام جدول بالا نشان می‌دهد رابطه میان دو متغیر رضایتمندی اجتماعی و مشارکت سیاسی-اجتماعی برابر با ۰/۱۸۱ است که در سطح کمتر از یک درصد معنادار است؛ بنابراین رابطه به دست آمده در میان نمونه تحقیق قابل تعمیم به تمام افراد جامعه آماری است. گرچه شدت رابطه در حد نسبتاً پایین قرار دارد ولی میزان معنابهی است. همچنین رابطه میان دو متغیر مثبت است به طوری که با افزایش میزان رضایتمندی اجتماعی، میزان مشارکت سیاسی-اجتماعی نیز افزایش می‌یابد.

- چنان که بنا به ادبیات ارائه شده در این پژوهش چنین فرض شده بود که با افزایش میزان رضایتمندی سیاسی افراد، مشارکت سیاسی-اجتماعی آنان افزایش می‌یابد، نتایج به دست آمده نشان می‌دهد رابطه میان دو متغیر برابر با ۰/۵۳۳ است که در سطح کمتر از یک درصد معنادار است؛ بنابراین این فرضیه نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد. شدت رابطه نیز در حد متوسط و جهت آن مثبت است به طوری که با افزایش میزان رضایتمندی سیاسی، میزان مشارکت سیاسی-اجتماعی نیز افزایش می‌یابد.

- نتایج آزمون I پیرسون حاکی از وجود رابطه معنادار میان دو متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی و مشارکت سیاسی-اجتماعی نیست؛ به عبارت صحیح‌تر نتایج به دست آمده نشان می‌دهد رابطه به دست آمده

معیار در هر یک از متغیرهای مستقل، متغیر وابسته به چه میزان تغییر می‌کند. میزان بتا برای متغیرهای مستقل در این تحقیق در جدول ۸ درج شده است.

اما در تحلیل رگرسیون علاوه بر ضریب تعیین، مقدار بتا (Beta) نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. مقدار این ضریب نشان می‌دهد که با افزایش یک واحد انحراف

جدول ۸- مقدار بتا

متغیرها	Beta	t	Sig
رضایتمندی سیاسی	۰/۵۵۱	۱۰/۴۵۹	۰/۰۰
رضایتمندی اجتماعی	-۰/۰۳۰	-۰/۵۶۱	۰/۵۷۵
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	-۰/۱۰۰	-۲/۰۶۹	۰/۰۳۹

مشارکت را بررسی کرد و محقق بر این فرض بود که در ترغیب و انگیزش مردم به مشارکت، عوامل اجتماعی چون پایگاه اقتصادی-اجتماعی، رضایتمندی اجتماعی و رضایتمندی سیاسی تأثیرگذار هستند. با توجه به آزمون‌های تجربی، یافته‌های توصیفی زیر به دست آمد:

- میزان مشارکت سیاسی-اجتماعی در سطح متوسط و متوسط به پایین قرار دارد. میانگین نمره مشارکت افراد ۴۳/۱۷۴۴ است. ۴۷/۳ درصد از افراد مشارکت متوسط و ۲۵/۳ درصد مشارکت پایین دارند.

- سطح میزان رضایتمندی اجتماعی و رضایتمندی سیاسی پایین است. بدین ترتیب که ۲۳/۸ درصد افراد نمونه دارای رضایت اجتماعی پایین، ۵۵/۳ درصد دارای رضایت اجتماعی متوسط ۹ درصد دارای میزان رضایت اجتماعی بالا هستند.

- ۴/۸ درصد افراد نمونه از وضعیت سیاسی کشور کاملاً ناراضی هستند. ۲۳ درصد افراد دارای رضایت سیاسی بسیار پایین، ۳۴/۵ درصد دارای میزان رضایت سیاسی پایین ۲۵/۵ درصد دارای میزان رضایت سیاسی متوسط هستند.

فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر مورد آزمون آماری قرار گرفت:

- میزان مشارکت سیاسی-اجتماعی با افزایش رضایتمندی سیاسی افزایش می‌یابد. آزمون‌های آماری

همان طور که از جدول ۸ استنباط می‌شود، با توجه به مقدار بتا، رضایتمندی سیاسی با بتای ۰/۵۵۱ بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته دارد و پس از آن پایگاه اقتصادی-اجتماعی با بتای ۰/۱۰۰- و در نهایت رضایتمندی اجتماعی با بتای ۰/۰۳۰- مراتب بعدی تأثیرگذاری بر متغیر وابسته را دارند. متغیر رضایتمندی اجتماعی (Sig=۰/۵۷۵) در مدل رگرسیون قرار نمی‌گیرد.

بحث و نتیجه

در دهه‌های اخیر برای تحقق اهداف توسعه‌ای جوامع (توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی)، موضوع مشارکت مردمی حوزه وسیعی را در ادبیات سیاسی و اجتماعی به خود اختصاص داده است. در واقع اهمیت موضوع مشارکت سیاسی و اجتماعی نه تنها به لحاظ ایجاد روحیه خودباوری و اعتماد به نفس در سطح فردی بلکه در سطح کلان با فراهم‌سازی تطبیق خواسته‌ها با برنامه‌های اجرایی و به عنوان مکملی معنوی برای امکانات مادی جامعه، توسعه مبتنی بر مشارکت را موجب می‌گردد.

با توجه به ادبیات حوزه مشارکت، در ایجاد انگیزه و ترغیب آحاد مردم برای مشارکت در حوزه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی، عوامل مختلفی نقش دارند؛ لذا با توجه به پیشینه تجربی و ادبیات نظری موجود در حوزه علوم اجتماعی، پژوهش حاضر و عوامل اجتماعی مؤثر بر

مشارکت سیاسی-اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد و فرضیه تحقیق مرتبط با این رابطه رد می‌شود. در این تحقیق، نظریات دنیس هلی (1997) و آلموند و پاول (۱۳۸۰) تأیید نمی‌شوند و نتایج این با نتایج تحقیقات حسینی (۱۳۸۴) و تقوایی (۱۳۸۹) همخوانی ندارد. شاید بتوان این موضوع را به تفاوت ماهوی جوامع مورد بررسی و استناد پژوهشگران قبلی با جامعه ایران و به ویژه جامعه آماری مورد بررسی مرتبط کرد.

نتایج رگرسیون چند متغیره تحقیق حاکی از این است که متغیرهای مستقل تحقیق ۲۹/۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند و از این میان، متغیر رضایتمندی سیاسی با بتای ۰/۵۵۱ بیشترین مقدار بتا را در مدل رگرسیون دارد.

باتوجه به یافته های این مقاله پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- ترکیب فرآیند برنامه‌ریزی از بالا با برنامه‌ریزی از پایین به بالا و صورت عملی و واقعی بخشیدن به برنامه‌ریزی چند سطحی و این که سیاست برنامه‌ریزی با مردم با سیاست برنامه‌ریزی برای مردم.

- ارائه تدابیر و راهکارها برای این که مسأله مشارکت و نهادهای مشارکتی در اداره امور جامعه از جو سیاست‌زدگی افراطی به دور و محفوظ باشند.

- اصلاح نگاه به توسعه و عمران کشور و جامعه که معمولاً منحصر به ارائه امکانات اقتصادی و خدماتی بوده است، در حالی که توسعه واقعی فراتر از ارائه خدمات اجتماعی است؛ تغییری که از یک سو متضمن تغییر در آگاهی، انگیزش و رضایت افراد است و از سوی دیگر باید مهیاکننده توانبخشی و قدرت‌دهی در تصمیم‌گیری و اجرا برای مردم باشد.

- شهروندان باید این تجربه را داشته باشند که مشارکت آن‌ها در اداره امور جامعه سمبلیک و نمادین نیست و تأثیرگذار است. به تدریج باید حجم دخالت دولت در اداره امور کم گردد و این امور به شهروندان

برای سنجش ارتباط حاکی از رابطه معنادار کم‌تر از یک درصد با شدت رابطه ۰/۵۳۳ درصد است که نشان می‌دهد نتایج نمونه قابل تعمیم به کل جامعه آماری است. این ارتباط نشان می‌دهد جلب مشارکت مردمی در عرصه‌ای خالی از رضایتمندی تحقق نمی‌پذیرد بلکه نیازمند پندار مثبت فرد از شرایط سیاسی و اجتماعی جاری است تا آن را به تجربه مشارکت تبدیل کند. نتایج تحقیق با نظریات هانتینگتون، رابرت دال و کیندر و کیویت همخوانی دارد و آن‌ها را تأیید می‌کند. بر طبق نظر هانتینگتون، افزایش رضایت سیاسی در میان مردم و گروه‌ها عامل مهمی در افزایش مشارکت سیاسی-اجتماعی در جامعه است (رضایی، ۱۳۷۵؛ قوام، ۱۳۷۳). به اعتقاد رابرت دال، هر چه میزان رضایت سیاسی در میان مردم بیشتر است به همان اندازه مشارکت آن‌ها در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی بیشتر است (دال، ۱۳۶۴). به نظر کیندر و کیویت، شخص به حکومتی رأی می‌دهد که بنا بر استنباطش به کشور خدمت کرده است، بدون ملاحظه این که چه تأثیری بر وضعیت مالی خودش گذاشته است. رضایت از زندگی، رضایت سیاسی، اعتماد به یکدیگر، میزان زیاد بحث سیاسی و حمایت از نظم اجتماعی موجود، نشان نگرش مثبت نسبت به جهانی است که شخص در آن زندگی می‌کند (اینگلهارت، ۱۳۷۳).

- با افزایش رضایتمندی اجتماعی مشارکت سیاسی-اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. نتایج نشان می‌دهد که رابطه در سطح کمتر از یک درصد و با شدت ۰/۱۸۱ معنادار و مثبت است. در نتیجه این فرضیه تحقیق تأیید می‌شود. نتایج تحقیق تأیید کننده نظریات کریزبرگ (1973) است که معتقد است نارضایتی منشأ تخریب مشارکت افراد است.

- یکی از نتایج جالب و غیر منتظره این مطالعه ارتباط نداشتن آماری بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و مشارکت سیاسی-اجتماعی است. نتایج آزمون‌های آماری نشان می‌دهد که میان پایگاه اقتصادی-اجتماعی و

پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.
 دال، ر. (۱۳۶۴). تجزیه و تحلیل سیاست، ترجمه: حسین مظفریان، تهران: مظفریان.
 راش، م. (۱۳۷۷). جامعه و سیاست، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: سمت.
 رجب‌زاده، ا. (۱۳۸۱). فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دفتر طرح‌های ملی.
 رضایی، ع. (۱۳۷۵). «مشارکت اجتماعی، هدف یا ابزار توسعه»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال سیزدهم، ش ۱۰۹ - ۱۱۰، ص ۵۴-۶۳.
 شعبانی، م. (۱۳۸۰). نقش مشارکت مردم در مدیریت بحران، رساله دکترای، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد پاسداران.
 شفیعی، ش. (۱۳۸۱). «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان شهر اردبیل»، مجله اینترنتی فصل نو، سال دوم، ش ۵۰، ص ۱۷-۲۴.
 شیانی، م. (۱۳۸۴). «شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی»، فصلنامه تأمین اجتماعی، سال اول، ش ۱۱، ص ۱۹۱.
 عظیمی، ل. (۱۳۸۰). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت اجتماعی زنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
 غفاری، غ. (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی شهر کاشان، رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
 فردرو، م. و رضوانی، ا. (۱۳۸۱). دولت، مردم و همگرایی، تهران: نشر آن
 قراخانی، ع. (۱۳۸۲). نقش سازمان‌های غیردولتی در تقویت مشارکت اجتماعی (مطالعه NGOs

واگذار گردد تا جایی که نهادهای مردمی (NGOs) شکل گیرند بدون این که به حکومت یا جریان خاص سیاسی وابسته باشند.

منابع

ازکیا، م. و غفاری، غ. (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران: نشر نی
 انصاری، ح. (۱۳۸۳). نظریه‌های مشارکت، جزوه درسی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران
 اینگلهارت، ر. (۱۳۷۳). تحویل فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه: مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
 آلموند، گ. و پاول، ج. (۱۳۸۰). «مشارکت و حضور شهروندان»، ترجمه: علیرضا طیب، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۶۳ - ۱۶۴، ص ۱۳۶-۱۴۷.
 بیرو، آ. (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
 پالمر، م. و لاری، ا. (۱۳۶۷). نگرش جدید به علم سیاست، مترجم: منوچهر شجاعی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
 ترنر، ج. (۱۳۷۱). پیدایش نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه: عبدالعلی لهسایی‌زاده، شیراز: فرهنگ تقوایی، م؛ بابانسیب، ر. و موسوی، ج. (۱۳۸۹) «تحلیلی بر سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری»، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال اول، ش ۲، ص ۱۹-۳۶.
 چاوشیان، ح. (۱۳۷۶). شاخص تعیین پایگاه اجتماعی در تهران، تهران: دفتر اجتماعی وزارت کشور
 حسینی، ف. (۱۳۸۴). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت جوانان در سازمان‌های غیردولتی،

- Political Science Review*, 84(3):821-847.
- Difranceisco, W. Gitelman, Z. (1984) "Soviet Political Culture and Covert Participation", *American Political Science Review*, 78:69-87.
- Helly, D. (1997) "Voluntary and Social Participation by People of Immigrant," *January. Retrieved*, 29(1-2):53-65.
- Kerisberg, L. (1973) *Sociology of social conflict*, new jersey : Printice-Hall Publication.
- Mehta, S. (1984) *Rular development policies and programs*. London: sage.
- Millan, A. and Esteban, A. (2004) "Development of Multiploitem Scale of Measuring Customer Satisfaction in Travel Agencies Services", *Tourism Management*, 25: 533-554.
- Rahnema, M. (1999) *Participation .in: The development Dictionary*. Edite by wolfgangysachs. London: zedbook Ltd.
- Simon, S. (1982) "Webster new dictionary", USA, western corporation, seventh edition
- Van Deth, J.W. (2001) *Studing political participation: Towards a Theory of every thing?* Internet: Google site.
- Zimmerman, A. (1996) *Public Participation in Planing*, Common Questions about Planing in ArizonaIssus 6, February.
- شهر تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- قوام، ع. (۱۳۷۴). *نقد نظریه‌های نوسازی و توسعه سیاسی: بررسی مسائل نظریه‌پردازی در باب نوسازی و توسعه سیاسی در جهان سوم*، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- محسنی، م. (۱۳۷۸). *بررسی برخی از ابعاد مشارکت اجتماعی در ایران*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- منطقی، م. (۱۳۸۳). «نسل سوم، فرصت‌ها و تهدیدها»، همایش علمی جوانان، امید و آینده، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- نادری عباس‌آباد، ح. (۱۳۸۳). *بررسی مشارکت مردم اردبیل در خصوصی‌سازی فعالیت‌های فرهنگی و هنری و عوامل مؤثر بر آن*، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اردبیل.
- Bahry, D. Silver, B. (1993) "Sovit Citizenship Participation of the Eve of Democratization", *Journal American*

Arhive of SID